

دو سازمان مجهز بازرسی

در مرز مملکت بدن؛ دو سازمان مجهز برای بازرسی و کنترل مقرر شده؛ تانسبت
بواردات این کشور دقت و احتیاط لازم بعمل آید؛ و از ورود مواد زیان بخش جداً جلوگیری
شود، و آن دو سازمان عبارت است از: ذائقه و شامه.

سازمان ذائقه

این سازمان درباره مواد غذایی با کمال دقت نظارت میکند؛ و عضو اصلی آن «زبان»
است زبان این یک قطعه گوشت، دارای چندین وظیفه است که هر یک از آنها در زندگی
انسان اهمیت شایانی دارد؛ اصولاً در بدن صرفه جوئیهای عجیبی بعمل آمده است؛ یعنی
بسیاری از اعضاء دارای وظائف متعددی هستند؛ که با منتهای نظم و کوشش بانجام آنها
ادامه میدهند تا نیاز مندیهای زندگی تأمین شود؛ و ما اکنون توجه شمارا بوظائف زبان
جلب مینمائیم:

۱- حرف زدن

در موضوع سخن گفتن، زبان عامل مهمی بشمار میرود؛ زیرا هوای بازدم (هوایی
که از ریه بر میگردد) در داخل حنجره (عضو تشکیل صوت) بیرجستگیهایی که
«طنابهای صوتی» نامیده میشود؛ برخورد کرده آنها را بلرزش و ارتعاش در میآورد و
در نتیجه صوت تولید میگردد، و صوت مزبور را زبان با حرکتهای منظم خود تقطیع میکند
البته لیهاودندانها و حلق نیز کمک می کنند؛ تا صوت تولید شده بحروف تبدیل شود؛ و از
اجتماع حروف کلمات بوجود آید.

بأیه اصلی تفاهم بهمین عامل بستگی دارد؛ یعنی ما باینوسیله منویات خود را بیکدیگر
می فهمانیم، و این موضوع در زندگی اجتماعی بشر بسیار پرارزش و مهم است، لذا قرآن

کریم ، بیان ومنطق را یکی از نعمت‌های خداوند عالیمان قلمداد میکند آنجا که میفرماید :
 « خلق الانسان ، علمه البیان (۱) یعنی خداوند انسان را آفرید و باو نطق و بیان
 تعلیم کرد » .

۲ - چشیدن مواد غذایی

در سطح فوقانی « زبان » برجستگیهای بسیاری دیده میشود ، که برجستگیهای ذائقه
 نامیده میشوند ، زیرا اعصاب ذائقه با آنها منتهی میشود ، بر برجستگیهای نامبرده عهده دار
 احساس طعم مواد غذایی یعنی : شیرینی و تلخی و شوری و ترشی میباشد .
 « زبان » چنانکه گفته شد ، در حقیقت مانند دربانی است که مواد اولیه کارگاه بدن را
 مورد بررسی قرار داده ؛ نتیجه را بمرکز فرماندهی بدن یعنی مغز ، مخابره میکند ، تا از
 ورود آنچه مضرات جلوه گیری شود .

در اینجا از این نکته نیز نباید غفلت کرد که احساس طعم غذا چون موجب لذت میگردد
 انسان بخوردن غذاهای مناسب بمنظور تأمین نیروهای زندگی ، تشویق شده اقدام مینماید .
 البته برای درک مزه مواد غذایی ، لازم است که غذا با مایعی مخلوط شود تا بصورت
 محلول درآید ، و روی همین جهت ، چشمه‌هایی (غده‌ها) در دهان موجود است که مایعی از
 آنها ترشح میکند ؛ تا این هدف تأمین شود (در دستگاه هاضمه شرح آن را خواهیم گفت)
 ۳ - وظایف حیاتی دیگر .

« زبان » در عمل جویدن غذا و گرداندن مواد غذایی در دهان و بلع آن ؛ نیز تأثیر
 شایانی دارد ، و حرکت‌های مختلف آن بوسیله اعصاب حرکتی که از مغز آن وارد میگردد
 سرعت و سهولت انجام میگیرد .

سازمان بویائی

این سازمان ما را از نظافت و آلودگی محیط مطلع می‌سازد . تا از تنفس هواهای
 آلوده خودداری کنیم ؛ به علاوه بسیاری از غذاهای مطبوع و غیر مطبوع را از بویهای آنها
 تشخیص میدهیم در سطح داخلی بینی دو قسمت تشخیص داده میشود :

۱ - قسمت تحتانی که عهده دار گرم کردن و مرطوب ساختن هوای تنفسی است .
 میدانیم که هوای تنفسی گاهی بسیار سرد و خشک است ؛ و ممکن است اگر سرزده و بدون
 آمادگی وارد ریه شود ؛ این عضو حساس و لطیف را صدمه برساند ؛ لذا برای جلوگیری از
 این خطر احتمالی باید گرم و مرطوب شود ، ترشح اشک چشم بتأمین این منظور کمک مینماید

یعنی : در چشم غده‌هایی است که از آنها مایمی بنام اشک ترشح میکند ، و این مایع در آغاز بر روی صفحه لطیف چشم پخش شده آن را مرطوب میکند تا در نتیجه اصطکاک با پلکها ناراحتی رخ ندهد ، پس از انجام این وظیفه حساس ، راه پر پیچ و خمی را پیش میگیرد و بعد از میمودن آن راه ؛ بحفره های بینی میریزد ، تا در اثر تبخیر ؛ هوای تنفسی را ؛ که از راه بینی بریه میرود ، مرطوب سازد ، البته هوای مزبور در ضمن عبور از این مجرا گرم نیز خواهد شد ؛ و ضمناً در همین نقطه گرد و غباری اگر همراه داشته باشد از دست میدهد تا نظیف هم باشد .

۲ - قسمت اوقانی

این قسمت که « مخاط زرد » نامیده میشود عضو اصلی سازمان بویائی است زیرا اعصاب بویائی که مخصوص دریافت احساس بویائی می باشد ، از مغز سر چشمه گرفته باین نقطه منتهی میشود ، و در اینجا برشته هایی منشعب میگردد ، تا این مأموریت حیاتی انجام گیرد . این سازمان علاوه بر اینکه ما را از آلودگیهای هوای محیط آگاه میسازد و از تنفس گازهای خطرناک مانع میگردد ؛ و وسیله تشخیص غذاهای مطبوع و غیر مطبوع است فایده مهم دیگری نیز دارد و آن این است که از استشمام بوهای خوش و مطبوع برای انسان لذت و نشاطی دست میدهد ، (دین مقدس اسلام با استعمال اشیاء خوشبو مخصوصاً عطر تشویق بسیار نموده است) .

نکات توحیدی

در اینجا ذکر یک نکته لازم بنظر میرسد و آن اینست که مطالعه موجودات جهان بر حسب مراتب ادراک آدمیان و نوع هدف آنان فرق می کند ؛ یک نفر دانشمند موحدهیچگاه بانظر سطحی بموجودات نگاه نمیکند ، بلکه در سیمای هر یک از آنها آثار حکمت و قدرت مبینند ، مثلاً از قیافه اسرار آمیز « ماه » درس توحید میخوانند ، زیرا او میداند که این مناظر گوناگون و جلوه های جالب و موزون ، که در ظرف یک ماه رخ میدهد ؛ بحرکت های منظم و دقیق زمین و ماه و طرز قرار گرفتن آنها در مقابل خورشید بستگی کامل دارد و این شکل های متنوع ، معلول نظام حکیمانه ای است .

ولی بعضی افراد بانظر ساده و سطحی بقرص « ماه » نگاه می کنند و از شکل های بدر و هلال چیزی جز حساب اول و آخر ماه ، نمی فهمند ؛ نه هدفی غیر از این دارند ؛ نه درجه ادراکشان بیش از این میرسد .

طراوت و زیبایی ظاهری گل قریحه و ذوق شاعر را تحریک کرده ، و پرباگفتن نظم

وامیدارد؛ ولی موحد در لابلای برگهای زیبا و رنگین گل ریزه کاریهای زیباییاری رامیبیند که بمراتب از جمال ظاهری بیشتر و لذت بخش تر است .
 او میداند که قسمت های مختلف شکوفه رنگین بر اساس حکمت های دقیقی بمنظور اینکه تلقیح نباتی صورت بگیرد استوار شده است .
 همچنین موجودات دیگر که هر یک از آنها در نظر موحد زبانی دارند و او را به حکمت های الهی دعوت میکنند .

توجه پیشوایان اسلام به موجودات جهان روی همین نظر بوده است . امیر مؤمنان علی علیه السلام میفرمود: «سارایت شیئا الا ورايت الله قبله و معه و بعده یعنی : «بهر موجودی نگریم خدای اقبال از آن و با آن و بعد از آن دیدم» (۱) .

قرآن کریم مکرر موجودات متنوع جهان آفرینش را تذکر میدهد و در هر جمله ای برده ای از جمال و زیبایی آنها را مجسم میکند تا مردم بر موز خلقت و نظام طبیعت آشنا شوند و از این رهگذر به حکمت و قدرت خداوند متعال پی ببرند و درس توحید را در این مکتب مقدس بخوانند؛ گاهی از منظره زیبای ستارگان آسمان و طلوع و غروب خورشید و ماه و تسخیر ابرها و ریزش باران و وزیدن بادهای منظم سخن میگوید و گاه روئیدن گیاهان و تکون جانوران را گوشزد میکند و بالاخره در مواردی وجود پراسرار انسان را مورد توجه قرار میدهد . مخصوصاً برای جلب توجه بیشتر قامت و یرا بلباس زیبا و رسای «احسن تقویم» مزین میسازد آنجا که میفرماید : «لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم» (۲) یعنی ما انسان را در بهترین قامت و نیکوترین صورت و خلقت آفریده ایم .

قرآن مقدس پیروان خود را بدقت و تفکر و امید دارد و از مردم مادی که بهمه چیز با نظر سطحی می نگرند ؛ و شماع دید آنها از مرز ظاهر تجاوز نمیکند ؛ و بسفر و حقیقت زندگی این جهان توجه نمیکند و دیده آنها از ادراک نور توحید محروم است ، سخت انتقاد میکند ، چنانکه میفرماید : «یعلمون ظاهراً من الحیوة الدنیا» (۳) «یعنی مردم مادی از زندگی دنیا فقط ظاهری می بینند» .

(۱) خداوند قبل از هر موجودی است بجهت اینکه علت موجودات است ، و همه از آن ذات مقدس سرچشمه گرفته است ، و با هر موجودیست زیر اقوام و بقا هر موجودی باوست ؛ و بعد از موجودات است چون همه فانی هستند و او باقی است .

(۲) آیه ۴ سوره التین .

(۳) آیه ۷ سوره روم .

باتوجه بآنچه گفته شد بر ما لازم است که بوجود خود بانظر سطحی نگاه نکنیم و در يك يك دستگامهای بدن فکر کنیم تا از این راه قسمی بسوی خداشناسی برداریم زیرا بر هر صاحب دلی روشن است که دستگام وجود ما با يك نقشه فوق العاده عاقلانه ای طرح شده ، و این سازمان بدیع را يك منبع عقل و قدرتی برپا داشته است .

آیا برقرار شدن دستگام ذائقه در دهان که راه ورود خوردنیها و آشامیدنیها است و دستگام بویایی در بینی که راه ورود هواست ، نشانه بازرسی از نظم و حکمت نیست ؟ سازمان وجود ما که يك نمونه کوچکی است از دستگام بزرگ آفرینش ، در هر لحظه ما را بمطالعه نظام عمومی جهان دعوت میکند و این گفتار را در دیده ما مجسم مینماید که :

جهان چون چشم و خط و خال و ابروست ✽ که هر چیزی بجای خویش نیکوست

از شیر حمله خوش بود و از فزال رم

از مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد حسین کاشف الغطاء می پرسند که : چرا دین مقدس اسلام مردان را از پوشیدن لباس حریر و طلا باف و زینت کردن بطلا محروم نموده است ؟ در جواب میفرمایند : دین مقدس اسلام از طبقه مردان انتظار خشونت و صلابت دارد و میخواهد که آنان دارای قوت و عظمت باشند ، و روشن است که استعمال حریر نرم و لطیف و طلای براق با این هدف عالی سازگار نیست .

این موضوع را تجربه نیز ثابت میکند که زینت بمواد نامبرده موجب پستی همت و توجه بعالم شهوت میگردد .

آری استعمال طلا و حریر برای زنان مناسب است حتی اگر دین اسلام حرام نکرده بود بر مردان لازم بود که گوهر وجود خود را قطع بصلابت و غیرت بیارایند. نقل از کتاب الفردوس الاعلی .